

یادداشتی بر نتایج انتخابات آمریکا

امپریالیسم (سرمایه داری انحصاری) دوران بحرانی را طی می کند . از جمله خصص سرمایه داری انحصاری کنونی دوران پوسیدگی و بحران زائنی روزانه اش می باشد . عصر امپریالیسم ، عصر رقابت امپریالیستها بر سر کسب منافع حد اکثر است . برای برآوردن چنین هدفی هر یک از دول امپریالیستی که موفق گردد بازارهای مصرف و تولیدی را بویژه در کشورهای عقبه نگه داشته شده بخود اختصاص دهد ، بر رقیب دیگر امپریالیستی

پیشی جسته است و می تواند در منطق سرمایه داری حرف آخر را بزند . هر دولت امپریالیستی برای قوی ماندن در مقابل رقبایش و سرکوب جنبشهای آزاد بیخس احتیاج به صرف بودجه کلان در صنایع اسلحه سازی دارد . بنابراین برای بر آوردن مقاصد اقتصادی چه در مقابل رقبا و چه برای حفظ قدرت در کشورهای زیر دست ، به سیاستمدارانی هم نیازمند است که بتوانند چنین عملی را در پارلمان های بورژوازی و محافل متعلق باو توجیه نمایند و تنظیم کنند . چنین جناحی در بقیه در صفحه ۳

رنجبر روی زمین اتحاد

پیکار خلق

یکشنبه ۲۵ آبان ۵۹

گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

۶۱

چپاول زحمتکشان بهبانه جنگ

نتایج جنگ خانمان برانداز ارتجاعی ایران و عراق هر روز بیشتر از روز پیش ملموس میگردد . تشدید گرانی ، فقر ، بیکاری ، بی خانمانی و از جمله عوارضی است که در اثر جنگ گریبان زحمتکشان میهنمان را گرفته است . حکومت جمهوری اسلامی که خود نیز در دامن زدن به این جنگ ناعادلانه دست بالائی دارد ، میکوشد تا افکار عمومی را به جنگ متوجه ساخته و از مشکلات و نابسامانیهای درونی که حتی قبل از جنگ نیز عیان وجود داشته

اما جنگ سبب تشدید آن شده است ، منحرف سازد . بارها گفته ایم که جنگ ناعادلانه کنونی برای خلقهای د و کشور سودی بهمراه ندارد . بحران اقتصادی و تحمیل آن بر دوش زحمتکشان این استدلال را بشدت میرساند .
اخیرا مسئله جیره بندی کالاها و اجناس مورد نیاز مردم از سوی حکومتگران بقیه در صفحه ۲

جنگ و تقویتش در بیمارستانها

هر روز بر تعداد قربانیان جنگ خانمان برانداز و ارتجاعی د ولتهای ایران و عراق افزون میگردد . بیمارستانهای سراسر ایران مملو از زنان و مردان و کودکانی است که بر اثر بیماراران های هوائی ارتش عراق ، علاوه بر خسارات مالی ، صدمات جانی نیز دیده اند . صد اوسیمای جمهوری اسلامی هر روز ضمن مصاحبه با افراد مصدوم که اکثر ارتشیان و پاسداران هستند ، میکوشد چنین القاء کند که گویا مردم از جنگ رضایت دارند و حتی اگر هم زخمی شوند حاضرند پس از مد اواد و باره به جبهه جنگ بازگردند . دیدیم که چگونه سرهنگ موذن چندین شب

پشت هم بر صفحه تلویزیون ظاهر میشد و با برنامه ای حساب شده اراجیفی ردیف میکرد و بقول معروف نان تبلیغاتی حکومت رامی - پخت . حکومت میخواهد با اینگونه تبلیغات بر توهم توده های نا آگاه دامن بزند و آنانرا بقیه در صفحه ۵

ثروتها از یک جیب به جیب دیگر میروند

باز هم دستگیری و بند

زامندان - دادگاه "انقلاب" اسلامی زاهدان که افراد فاسدی در رأس آن قرار گرفته اند ، در هفته گذشته هوشنگ سرابندی رایبه اتهام " همکاری با گروههای بقیه در صفحه ۵

سعادت بی آزاد باید گردد

حکومتگران دست نشاندهگان رژیم پهلوی را بعنوانین مختلف آزاد می کنند . حکومتگران قصد آزادی جاسوسان آمریکائی را دارند . حکومتگران با سیاستهای خائنانه خود ایران را محل تاخت و تاز جاسوسان بلوک غرب و شرق نموده اند . اما سعادت بی مجاهد ضد امپریالیست را به محاکمه می کشند . از چنین حکومتی " ضد امپریالیست" جز این هم انتظاری داشتن خطاست . ماضن محکوم کردن محاکمه سعادت بی ، خواستار آزادی بدون قید و شرط وفوری او هستیم

سر سپردگان رژیم شاه در ارگان های رژیم جمهوری اسلامی لانه کرده اند

مرگ بر امپریالیسم و سرمایه داری وابسته

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

طرح ریزی شده و بدنبال آن کویتهائی در میان مردم تقسیم شده است. اما هدف از این جیره بندی چیست و آیا براساسی دلسوز مردم شده اند که بموقع و براحتمایحتاج خود راتهییه نمایند یا منافع خاص حکومت در آن نهفته است؟

رژیم جمهوری اسلامی که بالاترین بوجه رایبه تجهیز نظامی اختصاص داده است، اکنون با کمبود بودجه روبرو می باشد، لذا با هزارویک حقه می خواهد آنرا جبران سازد و طبیعی است که چون خود حافظ منافع سرمایه داران است هیچگونه تحمیلی بر آنها روا نمیدارد، بلکه می خواهد بعنوانین مختلف به چپاول مردم زحمتکش بپردازد و البته همه حقه هانیز در خدمت سرپانگهداشتن حکومت خود می باشد. جیره بندی نیز اکنون یکی از طرق چاپیدن مردم است. حکومت جمهوری اسلامی خود میداند که قادر به برطرف ساختن بخران اقتصادی، بیکاری، گرانی و غیره نیست و نیز می بیند که صدای اعتراض مردم بخاطر ماندن در صفهای طولانی تهیه ارزاق عمومی بگوش میرسد و این ناراضی مردم هم برای وی بسیار گران تمام میشود، لذا میخواهد بطریقی از سوی مبالغی بجیب زد و برای تهیه اسلحه و مهمات فراهم سازد و از سوی دیگر مردم را شایسته بماند. بهمین جهت طرح جیره بندی را عنوان میکند و وانمود میسازد که در فکر مردم است بدین ترتیب هر خانواده ای میبایستی درازگی دریافت کوین ۲۰ ریال بپردازد. حال اگر بطور متوسط ۹ میلیون خانواده ۴ نفره را در نظر بگیریم، می بینیم که تنها ۱۸ میلیون تومان در مقابل دادن کوین نصب جمهوری اسلامی گردیده است. البته این امر بدین جا ختم نمیگردد، چه در مقابل دادن کوین بنزین نیز مبالغ هنگفتی بجیب حکومت سرمایه داران رفته است. این مبالغ حکم مالیاتهای را از آنکه مستقیماً بحساب دولت واریز میشود. براساسی حکومت که خود را طرفدار "مستضعفین" قلمداد میکند، چرا از "مستکبرین" مالیات نمیگیرد و تازه بعنوانین مختلف بد هکاری مالیاتی آنها را می بخشد. کدام تاجر گردن کلفت بازار، کدام کارخانه دار و کدام محترک دست بالا مالیات های خود را بطور کامل پرداخت کرده است؟ پس می بینیم که هرچه فشار است بردوش زحمت کشان تحمیل میشود و پس ...

از این مالیاتهای مستقیم که بگذریم میرسیم به مسئله تشدید گرانی.

امروز زحمتکشان مابعدیان می بینند که همه اجناس مورد نیازشان را باید با قیمتهای بسیار بالاتر تهیه کنند. این گرانی حتی شامل اجناسی میشود که در انحصار دولت می باشد. از جمله شاهد بودیم که دست اندرکاران حکومت مدتی با احتکار سیگار یک نوع کمبود مصنوعی ایجاد کرده و سپس سیگارهای مختلف رایبه قیمت برابر بر به بازار عرضه نمودند. مسئله بنزین نیز امری است که چپاول حکومت رایبه عیان نشان میدهد. حمله ارتش عراق به پالایشگاههای ایران وسیله ای شد در دست حکومت تا ابتدا بنزین را جیره بندی کرده و سپس بانرخ سه برابر در اختیار مردم قرار دهد گرانی بنزین برای گردن گلفتها چند ان تفاوتی ندارد و بردوش حکومتگران که ماشینهای آخرین مدل بزیار دارند و بنزین آنها هم حتی مجانی در اختیار دارند، تحمیل نمیشود، اما زحمتکشان چه؟ زحمتکشی که یک وانت بار همه هستی او را تشکیل میدهد و تنها وسیله معیشت اوست، چگونه میتواند بنزین را لیتری ۳۰ ریال بخرد؟ فردی که بایک موتورسیکلت اصرار معاش میکند، چگونه میخواهد ۳۰ ریال برای هر لیتربنزین بپردازد؟ تاکسیرانان زحمتکش که از طریق مسافر کشی زندگی میکنند و به بنزین بسیار نیازمند هستند، بار گرانی بنزین را چگونه میتوانند تحمل کنند؟ بیهوده نیست که پس از اعلان گران شدن بنزین، حکومت خود را با موج اعتراض و اعتصاب تاکسیرانان و رانندگان وانت بار سراسر کشور مواجه دید. حکومت به خاطر اینکه این موج رافروشانند دست بحقهای زد که برای رانندگان زحمتکش رور شده است و آن اینکه مابه التفاوت بنزین رایبه تاکسیرانان و صاحبان وانت بار پرداخت خواهد کرد. البته تاکسیرانان بخاطر دارند که پس از گران شدن بنزین از لیتری ۶ ریال به ۱۰ ریال، قرار بود مابه التفاوت آن پرداخت شود اما از فروردین ۵۹ تاکنون آنها حتی یک ریال هم از دولت دریافت نکرده اند. بدین ترتیب حکومت می خواهد با قولهای فریبنده و وعده های سرخرومن از مبارزات تاکسیرانان که در طی دو سال گذشته بارها شاهد آن بوده ایم و حتی هنوز کشتار تاکسیرانان از یاد هانرفته است، جلو گیرد. در هفته گذشته اعتصاب رانندگان تاکسی و وانت بار در تهران، شیراز، زنجان، تبریز بوقوع پیوست. حکومتگران که دیدند با

وعده و وعید نمیتوانند صدای اعتراض را خاموش سازند به تهدید متوسل شدند. از جمله پس از آنکه رانندگان تاکسی وانت بار در شیراز دست با اعتصاب زدند، دادگاه "انقلاب" اسلامی شیراز طی اطلاعیه ای نوشت "باین عده معدود رانندگان که جدا از صنف رانندگان تاکسی و تاکسی بار میباشند اخطاریه کرد در سریعاً دست از کم کاری برشته و در غیر این صورت آنها را سنگین و تحویل دادگاه زمان جنگ خواهند شد." (اطلاعات یکشنبه ۱۸ آبان ۵۹) دادگاه انقلاب شیراز در این اطلاعیه شگرد حکومت شاه را که وارث آن شده بکار برده است. چه بخاطر اربیم که رژیم شاه نیز هنگام او جگیری مبارزات مردم در لیبیران وانمود میساخت که مردم ایران کاری نمیکند، بلکه اینها از "خارج از مرزها آمده اند" و "آشوب برپا کرده اند. حال نیز حکومتگران برای اینکسه اعتصاب رانندگان زحمتکش را بخون کشیده و دستگیری و بزدان انداختن آنها رایبه اصطلاح موجه جلوه دهند، ارشیه محمد رضا شاه را پاس میدارند و وانمود میسازند که عده ای دیگر خارج از صنف رانندگان تاکسی و وانت بار در روتون نفوذ کرده و کم کاری برپا انداخته اند. اما مردم ما فریب این تبلیغات دروغین را نخواهند خورد و رانندگان زحمتکش بدون وا همه از تهدید هابه مبارزه خود ادامه خواهند داد. جالب است که رجائی طی یک مصاحبه تلویزیونی در شب پنجشنبه ۲۱ آبان ۵۹ طوری صحبت کرد که گویانرخ بنزین ابد آگران نشده است و تازه صاحبان اتومبیل این مابه التفاوت را از دست هایش به "بیت المال" بد هکار بود هاند. لابد "حق" دارد بگوید گذشته را "بخشیده ایم" اما از حالا بیعده باید کامل بپردازند اما چپاول حکومت در اینجا خاتمه نمی یابد. در طی مدت جنگ مبالغی از حقوق کارمندان کارگران، بدون موافقت آنها و حتی گاه با سرپرستش از آنها، کم و ظاهر برای جنگ زدگان جمع آوری شده است. اما برای کدام جنگ زدگان؟ آنها فی که خانه و کاشانه خود را ترک کرده اند، تاکنون کدام مبلغ را دریافت داشته اند؟ حکومت بنام جنگ زدگان از طریق حسابهای گوناگون و برداشت از حقوق کارگران و کارمندان مبالغ کلانی جمع آوری میکند ولی از سوی دیگر گروههای فشار را برای بقیه در صفحه ۴

جنگ نا عادلانه سرمایه داران ایران و عراق رایبه جنگ آزاد بخش خلقها تبدیل سازیم

دادداشتی ...

آمریکا بنام حزب جمهوری خواهان معروف می باشد. گذشته از این امپریالیسم برای بگردش در آوردن صنایع احتیاج به مواد سوختی دارد و موادی چون نفت، ذغال، سنگ در انحصار کارتلها و تراستها قرار دارند. کارتل داران نفتی برای خود هم دارای تشکیلات سیاسی هستند که بتوانند هدفهای اقتصادی این جناح از سرمایه داران را در پارلمانهای بورژوازی و دیگر محافل جوابگو باشد. این جناح در آمریکا بنام حزب دمکرات معروف می باشد. این تقسیم بندی که بیان شد شکل کلی سرمایه داران در کشور امپریالیستی آمریکا می باشد. پنداشت ساده لوحانه خواهد بود، اگر تصور شود که کارتل داران نفت و کارتل داران صنایع سنگین و نظامی هر یک فقط در بخشهای فوق الذکر مشغول فعالیت هستند. با دقت بیشتری در بافت اقتصادی کشور امپریالیستی آمریکا روشن میشود که هر کدام از این جناحها سعی نموده اند که در بخشهای همدیگر نفوذ کرده و سرمایه گزرا بنمایند. بنا براین هر جناح سرمایه داری در آمریکا علاوه بر اینکه مثلاً عمدتاً در رشته های وابسته به نفت، انحصارات را بوجود آورده اند، در رشته های صنایع سنگین و نظامی صاحب نفوذ هستند و برعکس.

باید توجه داشت که سرمایه داران در عین اینکه در ظاهر بسیار متحد بنظر میرسند، اما زمانی که به قصد نفوذ در بخشهای اقتصادی تحت تسلط آنان از جانب سرمایه داران "خودی" و "غیر خودی" عملی انجام پذیرد، در میان آنان تضاد بروز می کند که بازتاب آنرا در جناحهای سیاسی بخوبی می توان تشخیص داد. حتی تا آنجائی که تاریخ سرمایه داری نوشته است در بین آنها منازعات خونین و در سطح وسیعتر جنگهای بنام جنگهای جهانی معروف شده اند، بوقوع پیوسته است. مثلاً در آمریکا ابراهام لینکن بوسیله جناح مخالف در آمریکا بقتل رسید کندی بدست جناح حزب جمهوری خواه کشته می شود. اقتضای "واتر گیت" که دعوی بین جمهوری خواهان و دمکراتها برای کسب قدرت ستی بود رسوا میشود و ...

جنگهای اول و دوم جهانی چیزی نبود جز

دعوای یک گروه از سرمایه داران جهانی بر علیه گروه دیگر. بحرانها و تورم در جوامع سرمایه داری از جمله امراض همیشگی این جوامع میباشد. هرگاه بحرانها شدت مییابند آن جناح از سرمایه داران تقویت میشوند که خواهان حل آن بحران با روشهای سریع و خونین هستند. اینچنین روندی را در جامعه امپریالیستی آمریکا بارها شاهد بودهایم. زمانی که بحران در سالهای ۱۹۲۲ در آمریکا بوقوع پیوست و این کشور را با بیکاری، فقر و عدم گردش صنایع و تولیدات مواجه ساخت فوراً جناح هارتر سرمایه داران آنجا حاکم گشت (جمهوری خواهان). در بحبوحه بحران جنگ کره و جنگ ویتنام با تناوبهای زمانی، جناح حاکم همان کمانی بودند که می خواستند بحران را سریع و هرچه خونین تر حل نمایند. در حال حاضر هم که انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا انجام شده است خارج از قاعده فوق نیست. نگاهی خیلی کوتاه به ارقام، سطح بحران را در آمریکا نشان میدهد. نرخ تورم در حال حاضر در کشور امپریالیستی آمریکا ۱۱٪ صعود نموده است. درصد بیکاران در آنجا ۸٪ است. در بخش فعالیتهای ساختمانی و مسکن سازی با رکود ۹٪ مواجه میباشند. بخش صنعتی بیش از ۱۱/۴٪ نسبت به سال پیش قوس نزولی پیموده است. کمبود موازنه، پرداختها به بیش از ۲۹ میلیارد دلار رسیده است که پیش بینی افزایش تا ۳۵ میلیارد نیز می رود. چنین بحرانی اقتصادی خواه و ناخواه در توده های وسیع آمریکائی باعث نارضایتیهای فراوان می شود که هر دم میتواند نیروهای انقلابی را قویتر نماید.

هم چنین، چنین بحرانی باعث افت سرمایه داران آمریکائی خواهد شد. یک نکته در همینجا قابل ذکر است که در دوران ریاست جمهوری کارتر از حزب دمکرات، منافع کارتل داران صنایع نفت بچند برابر افزوده شد، اما در صنایع نرخ سود نسبت به صنایع نفتی نزول یافت. سرمایه داران و در اینجا سرمایه داران آمریکائی برای رسیدن به هدفهای استثمارگرانه خویش همیشه دو روش را که بیک هدف ختم میشد هاند، دنبال نموده اند. حزب دمکرات همیشه با روش "سر بردن با پنبه" یا بمیدن سیاست گد ارده است و برعکس جمهوری خواهان شمشیر پدست و تاخت و تاز در عرصه اقتصادی سیاسی را آغاز نموده اند.

کارتر با بمیان کشیدن "حقوق بشر"، انتقاد از کودتاها، خونین در شیلی و ... رسیدگی به وضع سیاهان، توافق ظاهری با حل مسئله فلسطین، تقسیم عادلانه ثروت، بالابردن سطح زندگی و ... بر اریکه قدرت تکیه زد و دیدیم که نه فقط آن نکرد که ادعا مینموده، بلکه کودتاها، آمریکائی در اینجا و آنجا بوقوع پیوست به وضع سیاهان رسیدگی شد، تقسیم ثروت فقط بضع سرمایه داران انجام پذیرفت، زحمتکشان آمریکائی به فقر و بیکاری تهدید شدند و غیره. ریگان با شعارهای عکس دمکراتها به ریاست جمهوری رسید. اما بحرانهای سرمایه داری را این با آن شفا نمی توان از بین برد، ممکن است که بتوان تا زمان محدودی به آن دهنه زد، اما آنرا در قالب سیستم سرمایه داری نمی توان از بین برد. ریاست جمهوری ریگان نشانگر آنست که سرمایه داران آمریکائی روش خشن را برای حل بحرانهای درونی خود از یک طرف و تصفیه حساب با سرمایه داران امپریالیستی کشورهای دیگر در پیش گرفته اند. امپریالیسم آمریکا در رقابتش با امپریالیسم دیگر بویژه سوسیال امپریالیسم روسیه خود را یک پله دیگر به نائزه جنگ جهانی امپریالیستی نزد یکتر نموده است. انتخابات ریگان بجای کارتر در آمریکا برای خلقهای زحمتکش ما تغییری در هدف اصلی اش نمی دهد. این هدف نابودی امپریالیسم در کل و سرمایه داران وابسته بآن است.

باز هم ...

مردم و افشا، چهره پلید خود، جلوه گیرند همچنان افرادی را که به افشا حکومت و انتقال آگاهی به توده های زحمتکش از طریق اعلامیه های افشاگرانه، می پردازند، ببند می کنند. در هفته ای که گذشت پاسداران ضد انقلاب دوتن را بنامهای علی زسرمدیان اهل رشت و سید احمد حسنی اهل مریوان که در شیراز ساکن می باشند، به "جرم شایعه پراکنی" از طریق پخش اعلامیه های "مضره" دستگیر و تحویل زندان دادند. امروز بسیاری دیگر از فرزندان دلاور خلق در سیاهچالهای حکومت جمهوری اسلامی بسر می برند. برای آزادیشان بیاخیزیم.

سر سپردگان رژیم شاه در ادگانهای رژیم جمهوری اسلامی لانه کرده اند

پس از علم کردن "پاکسازی" از سوی حکومتگران، شاهد دعواهای جناحهای مختلف حکومتی بودیم. دیدیم که "پاکسازی" از سوئی یورش به انقلابیون و مبارزین را در ادارات و مؤسسات و کارخانهها و مدارس را هدف خود قرار داده و در کنار آن از سوی دیگر وسیلهای برای تصفیه حساب جناحهای حکومت با یکدیگر شده بود. در این میان ضمن اینکه جناحهای حکومت بر سر تحقق کامل هدف اول "پاکسازی" با یکدیگر یکدل و یکزبان بوده و میکوشیدند گوی سبقت را از یکدیگر بریابند، در پیاده کردن هدف دیگر اختلافات نشان بالا گرفت تا بدانجا که در مطبوعات و مجلس فرمایشی، با هم به جنگ پرداختند. به افشا، یکدیگر پرداختند. هر یک میکوشند پتله فردی را که تمایل به دیگری دارد به روی آب اندازد. اکنون با آنکه با استفاده از مسئله جنگ ظاهرأ بر سر "وحدت" در میان خود تبلیغ میکنند، اما همچنان به رسوا ساختن یکدیگر مشغول میباشند. از جمله اینکه اخیراً در شهر بروجرد "کارگزار" سرپرست سابق هیأت "پاکسازی" بروجرد که گویا خود نیز مشمول "پاکسازی" قرار گرفته است و از ظواهر امر چنین برمی آید که طرفدار جناح بنی صدر باشد، جلسه افشاگرانه در مسجد امام خمینی شهر برگزار ساخته و مشت آقای شهردار صادق گودرزی را بدین ترتیب با اصطلاح بازی کد از تیر ماه ۵۶ تا آخر بهمن ماه ۵۶ صادق گودرزی شهردار فعلی بروجرد نماینده روزنامه رستاخیز بود و سی هزار و ۶۶۶ ریال به روزنامه منحل "مذکور بدعبارت است در همین رابطه در استان انقلاب اسلامی خرمآباد، در تاریخ ۳۰/۵/۵۹ حکم جلب وی را صادر کرد، که او بعلت حمایت کفافی، فرماندار بروجرد تاکنون دستگیر نشده است (اطلاعات یکشنبه ۱۸ آبان ۵۹) بدنبال این جلسه "افشاگرانه" در استان "انقلاب اسلامی" بروجرد بدفاع از شهردار برخاسته و می گویند: این افشاگری نیست که در مسجد بروند و آبروی مردم را ببرند و سپس اولتیماتوم می دهند که اگر کسانی که افشاگری می کنند، دلیل و مدرک به دادگاه انقلاب ارائه نمایند توقیف و بازداشت خواهند شد (همانجا). بدین ترتیب در بروجرد نیز دعواهای دو جناح بازتاب می یابد. مهره های حکومتی کوشند با "افشا" دیگر دست اندرکاران حکومت ماست رقیب را با اصطلاح کیسه کرده و خود را تقویت نمایند، اما یک مسئله واضح و روشن است و آن اینکه سرسپردگان رژیم شاه در پستهای حساس بکار گمارده شده اند و در این میان نیز هر آن لحظه که احتمال لو رفتن آنان می رود، دادگاههای

"انقلاب" ضمن تطهیر آنها، به بهانه در خواست مدارک و دلائل ضمن حمایت از علما رژیم شاه تصفیه را فیصله میدهد و بعد هم با اولتیماتوم توقیف و بازداشت میکوشد تا حریفان را از میدان بدر کند. انقلابیون میهنمان در طی یکسال و نه ماه گذشته بارها با اسناد و مدارک کافی به افشا جیره خواران رژیم شاه پرداختند و اینکه بسیاری حقوقهای کلان به رژیم جمهوری اسلامی خد می کنند و اینکه چسان این مزدوران بخاطر نفرتی که از انقلابیون راستین بدل دارند دست در دست حکام جدید به توطئه علیه بقیه در صفحه ۶

به خیل عظیم بیکاران می پیوندند، بلکه حتی حقوقی راهم که وسیله امرامعاششان بود، از دست می دهند و پس از این بایستی بسیار سخت تر از آنچه که تاکنون می زیسته اند، زندگی کنند. ماشااهد گوناگون را از آنجهت نقل کردیم که نشان دهیم چگونه حکومتگران به بهانه جنگ، مردم زحمتکش را بعنوانین مختلف چپا-ول می کنند. بنابراین اگر میکوشیم که عواقب وخیم جنگ ناعادلانه ایران و عراق بردوش زحمتکشان تحمیل میشود، به عیب نگفته ایم. شواهد و نمونه های فوق الذکر تنها بخشی از چپاولگری حکومت رایبانگری میکند ●

چپاول ...

تهاجم به جنگ زدگانی که بشهرهای دیگر مهاجرت کرده اند، هدایت میکند. وقاحت بحدی است که نمایند "اصفهان در مجلس فرمایشی بدروغ میگوید که در میان مهاجرینی که باصفهان آمده بودند، عده ای لباس "زنده" برتن داشته بودند که باجوئند هبی اصفهان متناسب نبوده و ازسوی دیگر صدای "ضد انقلاب" ازحلقوم آنان درمی آمد، این امر موجب درگیریها و مشکلاتی در اصفهان شد! وی میخواهد بدین ترتیب یورش جیره خواران حکومت رابه مردم هستی باخته، حقیقت نماید. زهی بشهری. حکومت بسیار کوشید تا مردم را بماندن در مناطق جنگی وادار تا بخاطر منافع آنها کشته شوند و حتی آنان که شهزراترک کرده، منتسب به "ضد انقلاب" شدند، امامردمی که میدانستند قربانی منافع سرمایه داران خواهند شد، ترک خانه وکاشانه راپیشه ساختند. فشار تبلیغاتی، فشار مالی راهم بدنبال داشت. از جمله اینکه روابط عمومی نخست وزیر طی بخشنامه ای مقرر داشت که ادارات و مؤسسات دولتی به آنان که شهزراترک کرده اند، اگر چنانچه خود رابه ادارات تابعه در شهرهای دیگر معرفی نمایند..... حد اکثر معادل دوسوم حقوق و مزایای مستمر ماهانه که از ۲۵۰۰۰ ریال کمتر از ۷۰۰۰۰ ریال بیشتر نباشد فعلاً بطور علی الحساب فقط برای یکبار..... پرداخت نمایند... (جمهوری اسلامی ۱۹ آبان ۵۹) بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی از حقوق مردمی که فشار جنگ بردوششان سنگینی می کند و در شهرهای دیگر هم بسختی زندگی می کنند، از سوئی یک سوم به جیب می زند و طی این بخشنامه فقط پرداخت دو سوم حقوق رابه آنها جایز میشمارد و از سوی دیگر یادکر "فقط یکبار" زمینه را برای بالا کشیدن همه درآمد آنها آماده میسازد. در خرمشهر نیز با تعطیل شدن همه کارها کارکنان (کارگران و کارمندان) ایران ترمینال از کار بیگار شده و حتی بگفته معرفی زاده نما-بند "خرمشهر در مجلس" میخواهند ایسین افراد را از کار بیرون کنند (جمهوری اسلامی ۱۹ آبان) نتیجتاً اینکه این کارکنان تنها

زحمتکشان ایران و عراق را از جنگ ناعادلانه رژیمهای ایران و عراق ثمری جز

افزایش فقر، بی خانمانی، قحطی و..... نیست!

آرشیو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

جنگ و ...

به شرکت در جنگ ارتجاعی ای که فقط خود را از آن بهره است، بکشاند و از کشته زحمت کشان پشته هاسازد. اما همچنانکه جونا رضایتی در سرتاسر ایران اوج میگیرد و در گوشت و کنار سرزمینان زرمه های مخالفت با این جنگ ارتجاعی بگوش میرسد، در بیمارستان هانیز بیماران جنگ زده زبان به شکوه و گلاوه گشوده اند. این شکوه ها برای اقوامی است که با هزارویک مکافات بدیدارشان می آیند. اما همچنانکه در سطح کل جامعه، حکومت با بگرو بیند "شایعه سازان" و تشدید خفقان و جو پلیسی میکوشد از سوا شدن خود جلوگیری و نگذارد که مردم به این امر که جنگ برای زحمتکشان برکنی ندارد، آگاه شوند، در بیمارستان هانیز برای پرد هوشی از نارضا یتی صد ومان جنگ دست به سیاستهای مرتجعانه ای میزند. بهمین جهت اخیراً اطلاعیه ای از سوی "ستاد رسیدگی به وضع مصدومین و مجروحین جنگ مستقر در وزارت بهداشت و ستاد هماهنگی انجمنهای اسلامی بیمارستانها و سازمانهای تابعه" این وزارتخانه مشترکاً صادر شده است مبنی بر اینکه "نظریه اینکه مشاهده شد افراد مشکوکی به اصطلاح عیادت از مجروحین جنگ با تبلیغ سوء خود و احیاناً پخش اعلامیه سعی در تضعیف روحیه این شهدای زنده انقلاب را دارند، کلیه اکیپ های بررسی و ملاقاتی موظفند با تأیید این ستاد و تحت کنترل انجمنهای اسلامی بیمارستانها بیدار مجروحین بروند. بدین منظور انجمنهای اسلامی باید حد اقل یک نفر را در تمام شبانه روز در بیمارستان مستقر نمود و د فتری در یک محل مناسب و نزدیک به در ورودی آماده کنند تا افراد و گروههایی که قصد بازدید از مجروحین را دارند راهنمایی شوند" (جمهوری اسلامی ه آیان).

براستی این عیادت کنندگان کیستند که این چنین مورد خشم دست اندرکاران حکومت قرار گرفته و برایشان جاسوس گماشته اند؟ عده ای کسانی هستند که خود نیز عواقب فلاکتبار جنگ را به چشم می بینند و بهنگام ملاقات با بیماران جنگ زده، برای وی سخنها در از اوضاع نابسامان اقتصادی - سیاسی در همه شهرها، از اینکه گروه گروه مردم کشته میشوند و آنان که زنده اند نیز در وضع بسیار بدی بسر می برند، از اینکه حکومت خواهان جنگ است

و مردم ناراضی از آن، از اینکه در فلان اداره و یا فلان مؤسسه فردی را که نسبت به جنگ ناعادلانه ابراز نزار نموده است، به بنده کشیده اند، از اینکه حکومتگران بارسنگین جنگ را بر دوش مردم می اندازند و برای خرید اسلحه و تقویت ارتش و پاسداری به طرق مختلف مردم را می چایند، از اینکه

از همه آنچه که بیمارستری در بیمارستان احتمالاً خیرش را ندارد و بالاخره از درد های مشترکشان که حکومتگران هرگز قادر به درمان آن نیستند. اما این درد در دلها برای حکومتگران خوش آیند نیست، چه دلایل نارضا یتی در ذهن بدهن میچرخد و بر موج ناراضی در کل می افزاید. پس باید چاره ای اندیشید و آن البته بهتر از همه این است که جو پلیسی جامعه را به بیمارستانها نیز منتقل ساخته و بطریقی از تعداد ملاقات کنندگان کاست تا از انتقال مسائل جامعه بدرون بیمارستانها جلوگیری و یا اگر حتی نتوانست اقوام بیماراران را از ملاقات آنها بازدارد، اقل آنرا کنترل نماید. در این میان جاسوسان همیشه آماده، به خدمت گرفته میشوند. انجمنهای اسلامی که کارنامه سیاه و ننگینی در همه ادارات و موسسات و کارخانه ها دارند و از جمله در بیمارستانها نیز "رسالت" خود را - یعنی تفتیش مبارزین و کمک به سرکوب آنان - انجام داده اند، مأمور این کنترل میشوند و باز هم البته بهترین بهانه این است که با تبلیغ مبنی بر جلوگیری از پخش اعلامیه های "مضره" که باعث "تضعیف" روحیه میشود، عمل جاسوسی و کنترل را موجه جلوه دهند. بنابراین ملاقات کنندگان از این پس باید با تأیید ستاد فوق الذکر عیادت آیند. یعنی اینکه برای عیادت بیماران خود باید از هفتخوان رستم بگذرند و کاملاً شناسائی بشوند و سپس بهنگام عیادت، افراد انجمنهای اسلامی بیمارستانها - نه احق دارند آنان را تفتیش کنند وحتی بهسراه آنان تا آخرین لحظات باشند تا مبادا سخنی را که بروفق مراد حکومتگران نیست، بر زبان آرند و البته این فقط مخصوص روزها نیست بلکه شبها نیز جاسوسان باید پاس دهند. از خود می پرسیم مگر در این اوضاع وانفاسکاه هیچکس نمیتواند در شرایط خاموشی از منزل خود بیرون آید و اگر هم آمد مورد تفتیش پاسداران سرمایه قرار میگیرد، کسی نه ملاقات بیماری در بیمارستان میروند که این جا - سوسان شبانه روز باید "خدمت" کنند؟

باز هم ...

سیاسی به یکسال زندان و دو سال حبس تعلیقی محکوم کرده است. دست اندرکاران حکومت از آن جهت فرزندان خلق را ضمن حبسهای کوتاه و طویل المدت به حبس تعلیقی محکوم می کنند که اگر چنانچه پس از بسر آمدن دوران حبس باز هم همچنان آنان به خلق وفادار بوده و بمبارزه علیه رژیم سرمایه داران وابسته دست زنند، بازگردانند آنان بزندان رسمیت یابد. یعنی اینکه بتوان با استناد به حکم مرتجعانه قبلی بار دیگر مبارزه زین راه بند افکنند. از سوی نیز گمان میبرند با اینگونه احکام میتوانند فرزندان خلق را از ادامه مبارزه بازدارند. اما این خیال عبثی است. فرزندان خلق قهرامی از احکام فرمایشی نیست.

ایران ششماهه - در حالیکه گروه گروه معلمان و دبیران آگاه و مبارز مشمول "پاک سازی" شده و از کار اخراج میشوند، عده ای نیز بزندان و تبعید محکوم می گردند. از جمله اکبر حجازی که ببرد بیرون بیرون خدمت ساکن ایرانشهر میباشد، اخیراً به "اتهام" قیام علیه "امنیت" کشور، یعنی در واقع روی آوردن به مبارزه علیه حکومت سرمایه داران، مبارزه ای که امنیت سرمایه داران را به خطر می اندازد، بمدت ۶ ماه تبعید در نجف آباد اصفهان محکوم شده است. تبعید دبیران آگاه و مبارز وسیله ای است در دست حکومت - گران تا شاید بدین ترتیب دبیران مبارز در شهرد یگر سکوت اختیار کرده و در برابر حکومت سر تسلیم فرود آورند. اما برای مبارزین تفاوت ندارد که در کدام شهر باشند، چه هر شهر سنگری است برای مبارزه علیه حکومت.

شهریار - جیره خواران حکومت جمهوری اسلامی برای آنکه از آگاه شدن بقیه در صفحه ۳

پس فقط تفتیش ملاقات کنندگان در میان نیست، بلکه از جمله هدف این است که هر صد ای اعتراض را در بیمارستان که از حلقوم بیماری جنگ زده در آمد، در گلو خفه سازند. آری زحمتکش میهنمان از سوئی در زیر بیمارانه های هوای ارتش عراق جان می بازند و زخمی و مصدوم می گردند و از سوی دیگر در بیمارستانها مورد تهاجم ارتجاع قرار می گیرند ●

اخبار کردستان

سردشت - ۵۹/۷/۲۳ -
 فشار پاسداران و ارتشیان بر مردم شهر روز بروز بیشتر میشود. در این روز نیز عده زیادی از مردم در اثر این فشار هامجبور به ترک شهر گردیدند. پاسداران در تمام نقاط شهر پایگاه ایجاد کرده و منازل مردم را اشغال نموده اند. بازرسی منازل مرتباً ادامه دارد و عده زیادی تاکنون دستگیر گردیده اند. ارتش و پاسداران سعی می کنند بزور اسلحه از تخلیه شهر جلوگیری نمایند ولی تاکنون موفق به این کار نشده اند.

کامیاران - ۵۹/۷/۲۱ -

ثروتها از يك جيب به جيب ديگر ميروند!

بنیاد "مستضعفين" حراج می کند:

- ۱- انواع فرشهای نفیس ایران
- ۲- انواع فرشهای نفیس چین
- ۳- انواع مبلمان
- ۴- سرویسهای اطاق خواب ایرانی و خارجی
- ۵- انواع لوستر
- ۶- انواع تابلوهای نقاشی
- ۷- ظروف تزئینی!!

(روزنامه جمهوری اسلامی ۱۴ آبان ۵۹)

بدون هیچ توضیحی می پرسیم چه کسانی قادر به خرید چنین اجناس لوکس و نفیس هستند؟ زحمتکشان یا سرمایه داران؟ فقط یادآوری می کنیم که بنیاد "مستضعفين" تحت سرپرستی شخص نخست وزیر، آقای رجائی، مقلد امام، فرزندان مجلس، برادر رئیس جمهور!! انجام وظیفه می نماید!! ●

در ساعت ۵ بعد از ظهر این روز ارتشیان و پاسداران و جاشها از گردنه "دولاب" و "قلعه والان" بسوی روستای "سرجی" حمله کردند ولی با مقاومت پیشمرگان کومه لسه و پیکار که در کوههای پشت روستای مذکور سنگر گرفته بود ندر و برنوشدند.

در نبردی که بین پیشمرگان و نیروهای دشمن روی داد، دشمن مجبور به عقب نشینی گردید، پیشمرگان به تعقیب آنها پرداختند و در ساعت ۱۰ شب کوههای پشت "دولاب" بدست پیشمرگان افتاد و آنها رو به گردنه "دولاب" و "قلعه والان" عقب نشینی کردند. در این نبرد عده ای از ارتشیان و پاسداران و جاشها کشته و زخمی گردیدند. در ساعت ۴ صبح روز بعد پیشمرگان کومه لسه و پیکار برای پاک کردن منطقه از وجود پاسداران و جاشها یک بار دیگر از کوههای "سرجی" و "دولاب" بالا رفتند و به سنگرهای آنان حمله بردند، مجدداً در نبردی سخت و قهرمانانه که تا ساعت ۱۲ ظهر ادامه داشت پیشمرگان قلعه "ع والان" و گردنه "دولاب" را پس گرفتند و دشمن بسوی "نشور" (آسیاب برق) عقب نشینی کرد.

در این نبرد دشمن که روحیه خود را از دست داده بود در تمام مدت درگیری روستاهای "سرجی"، "تا" و "هنی من" و "کوله ساره" را با خیمه و توپ کوبید. در این درگیریها خسارات زیادی بدشمن وارد آمد و پیشمرگان همگی سالم به دولاب رسیدند و در آنجا با تشکیل اجتماع پرشوری برای مردم در مورد هدفهای عادلانه جنبش مقاومت و جنایات رژیم های ضد خلقی ایران و عراق سخنرانی کردند.

پیروزی بزرگ پیشمرگان کومه لسه و پیکار در بیرون راندن نیروهای رژیم ضد خلقی ایران و همچنین مزدوران وابسته به بعث و زکاتاری اعتماد زحمتکشان این منطقه رابه پیشمرگان انقلابی جنبش مقاومت بسیار افزایش داده است.

* * *

"رژیم جمهوری اسلامی شیرز کامیارانی" ظریفه باجلانسی را اعدام نمود.
 این شیرز قهرمان خانه دار بود و مادر چندین کودک یتیم، دهه کوچکی در شهر کامیاران داشت و مخارج زندگی خود را از طریق

سرپرندگان...

انقلابیون در همه سطوح مشغول هستند، از ادارات و مؤسسات گرفته تا کارخانه ها و دانشگاهها و ارگانهای جدید الولاده چون سپاه پاسداران، بنیاد "مستضعفين"، دادگاههای "انقلاب" جهاد "سازندگی"، "بسیج مستضعفين" و غیره. آری اعمال حکومت شاه در همه این ارگانها و نهادها لانه کرده اند و البته بریستهای بسیار برجسته ای هم تکیه زده اند. پس در خواست دادگاههای "انقلاب" برای دریافت اسناد، بهانه ای بیش نیست برای اینکه "یاران" خود را از معرکه نجات دهند و دست سرپرندگان رژیم شاه را برای توطئه علیه خلق بازگردانند ●

آن تأمین مینمود. شهید ظریفه باجلانی یکی از زنان مبارز کامیاران بود که در جریان مبارزات مردم کامیاران برای جلوگیری از عبور تانکها بسوی میروان، از اولین کسانی بود که به همراه دیگر مردم مبارز کامیاران در وسط جاده نشست و مانع از عبور تانکها گردید.

در دوره اول جنبش مقاومت همواره در پیشاپیش تظاهرات مردم به پشتیبانی از پیشمرگان شعار میداد. طی ماههایی که پیشمرگان در شهر کامیاران بودند این مادر قهرمان از هیچگونه فدکاری در کمک بآنها دریغ نمیکرد و طی این مدت در مبارزه سیاسی برای بیرون راندن پاسداران از شهر فعالانه شرکت داشت. بهمین دلیل سرکوبگران کینه ای عمیق از او بردل داشتند و سرانجام در روز ۱/۷/۵۹ به اتهام همکاری با پیشمرگان دستگیر و پس از شکنجه های وحشیانه چند روز بعد به جوخه اعدام سپرده شد. اعدام این مادر قهرمان کینه و نفرت مردم منطقه را بر علیه رژیم جمهوری اسلامی دوچندان کرده است.

پیشمرگان انقلابی جنبش مقاومت باتکیه بر چنین گنجینه ای از حمایت و پشتیبانی توده ها است که این مبارزه عادلانه را در جهت منافع زحمتکشان سر تا سر ایران پیروزمندانه پیش میبرند و بهمین دلیل هم شکست ناپذیر اند. نقل از:
خبرنامه کومه لسه - شماره ۸۵

پیش بسوی جمهوری دمکراتیک خلق

ارزش اسناد سلیمان پیکار در راه آزادی طبقات کارگر